

الواورژانس؟ فوت فوت فوووت!

در خبرها داشتیم که فردی در طول شیش ماه ۴۹ هزار بار مزاحم تلفن ۱۱۵ اورژانس شده. به همین بهانه با چند نفر از هم شهریا که هرکدام مشون توی مزاحمت تلفنی برای یک تلفن ضروری تخصص دارن، صحبت می کنیم.

دادگاهی برای یک مزاحم در مشهد روزی چهار ساعت کار در مراکز اورژانس تعیین کرده است.

شما مزاحم چه تلفنی می شدین؟

مزاحم ۱: مزاحم چیه؟ من متخصص زنگ زدن به ۱۱۵ برای کوچک ترین مسائل اورژانسی هستم. مثلاً وقتی دارم ناخونام رو کوتاه می کنم و حس می کنم یه تیکه از پوست گوشه انگشتم رو هم گرفتم، چون درمان این مورد از خودم برنمی آد، باید از تکنیسین اورژانس کمک بگیرم. یا مثلاً ته گلو می خار. خب این ممکنه کرونا باشه یا آنفلوآنزا یا حساسیت فصلی یا عوارض خربزه یا ایدز و حتی تب دنگی. برای همین از اورژانس کمک می گیرم. گاهی پیش اومده که نفسم تنگ شده. برای همین زنگ زدم به ۱۱۵ و چندتا پوف عمیق کردم توی گوشی تا اونا ببینن نفسم تنگه یا گشاده.

خبرنگار: این موارد اصلاً ربطی به اورژانس ندارن. دوست عزیز، شما چرا اینجا هستین؟

مزاحم ۲: به دلیل اهمیت دادن به ایمنی خودم و اطرافیانم. چون در برابر هر ناایمنی، فوری با ۱۱۵ آتش نشانی تماس می گرفتم. مثال می زنم براتون که روشن بشین. بیا... الان اگه شما زیادی روشن بشین، من مجبورم زنگ بزنم به ۱۱۵! چندبار پیش اومد که نگران شده بودم وقتی در یخچال رو می بندم، نکنه چراغ داخلش روشن بمونه و اتصالی کنه. برای همین می رفتم توی یخچال و گیر می کردم و سرمازده می شدم و مجبور بودم زنگ بزنم به آتش نشانی که بیان درم بیارن. چندبار هم توی آسانسور گیر کردم که کارکنای خدمت آتش نشانی تشریف آوردن و بهم یاد دادن که برای باز شدن در باید اون دکمه رو بزنم. در صورتی که من اون یکی دکمه رو می زدم.

خبرنگار: شما باید با اورژانس اجتماعی تماس بگیرین که از نظر روانی بهتون کمک کنن! در خدمت شهروند دیگه ای هستیم. شما هم توضیح بدین که چرا توی جمع این افراد حضور دارین.



کارتون: مجید صالحی

مزاحم ۳: من در زمینه آب و برق و گاز فعالیت می کنم. چون کار خاصی ندارم، صبح تا شب می رم توی شهر می گردم و خب طبیعتاً هر منطقه شهر هرروز یه چیزی شون قطعه. من هم چون شهروند وظیفه شناسی هستم، بلافاصله با شرکت مربوط تماس می گیرم و اعلام می کنم که مثلاً الان آب فلان کوچه کم فشاره، یا برق فلان محله چشمک می زنه، یا گاز این خیابون فس فس می کنه.

خبرنگار: حالا درسته که زیاده روی می کنین، ولی کار خلافی نیست. پس چرا اینجا هستین؟

مزاحم ۳: راستش برای امر خیر... من از بس با این شرکتها تماس گرفتم، با تلفنچی هاشون آشنا شدم و یه دل نه صد دل... وقتی هم آب و برق و گاز قطع نبود، باز هم زنگ می زدم بهشون که صداشون رو بشنوم. لیاقت یه شهروند وظیفه شناس رو نداشتن و ازم شکایت کردن.

صفحه ۴
۲ تیر ۱۴۰۳
شماره ۱۰۹

سیریش
و چسب
ده قلو!



فرهنگ شهروندی

فرهاد ناجی

بالا پایینی بکنین، بد نیست. حالا این حالت خوبشه. بعضی شهروندا بازدن سیریش و میریش و چسب دو قلو و سه قلو و ده قلو پشت آگهیاشون و چسبوندنشون به در و دیوار و درخت و تابلو راهنمایی و جاهایی که عقل جن و پری هم بهشون نمی رسه. کاری می کنن که هیچ احدالناسی نتونه کوچیک ترین خدشه ای به اون آگهی شون وارد کنه. یکی نیست به این دوستان و عزیزان بگه که شهروند محترم

ببینین، شما تبلیغات چاپ می کنین، خب کاغذ و جوهر مصرف می شه و بعد راه می آفتین توی کوی و برزن و همین جوری فله ای می ندازین توی خونه و آپارتمان مردم. بعضیاش رو باد می بره، بعضیاش رو بچه ها موشک درست می کنن و می فرستن هوا، بعضیاش رو به نمکی محل تحویل می دن، بعضیاش هم اون قدر می مونه تا تجزیه بشه و دوباره به آغوش طبیعت برگرده. خب فکر می کنین چند هزارم درصد این آگهی خونده می شه؟ خودتون یه

تبلیغات برای بیشتر کسب و کارا یه امر مهم و حیاتی. ولی این تبلیغات ممکنه گاهی مخرب باشه. نه اینکه خدا نکرده روی تبلیغات دینامیت و مواد محترقه نصب کنن، ولی گاهی ممکنه بایه حرکت کوچیک کاری کنن که از مواد محترقه و دینامیت هم مخرب تر بشه. شاید یه کم گیج شده باشین، ولی نگران نباشین، الان خدمتون عرض یا طول یا ارتفاع می کنم که در جریان کار باشین.